

فصلنامه ژئوپلیتیک - سال هشتم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۱

صص ۶۲-۲۹

ژئوپلیتیک نوین تشیع در خاورمیانه و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

دکتر مهدی جاودانی مقدم* - استادیار علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۵/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۹/۲۰

چکیده

ظهور دومین دولت شیعه در منطقه خاورمیانه پس از حمله آمریکا به عراق، یکی از مهمترین نقاط عطف تاریخ این منطقه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران محسوب می‌شود چرا که با احیای شیعیان و بازنمایی هویت آنان در کشورهای منطقه و تأثیرات سیاسی، ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک آن در ساختار قدرت و امنیت منطقه‌ای، تحولات و تغییرات نوینی در تعاملات ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خاورمیانه به وجود آمده است. این مسئله با عنوان طراحی هلالی شیعی یا شکل‌گیری ژئوپلیتیک نوین تشیع در خاورمیانه از سوی بسیاری از مقامات رسمی کشورهای منطقه‌ای و فرماندهان منطقه‌ای مورد تأکید قرار گرفته و با واکنش‌ها و عکس‌العمل‌های آنان نسبت به افزایش قدرت نرم شیعیان و ایران، به تشدید فرقه‌گرایی در منطقه دامن زده است. بر این اساس، با توجه به اهمیت نقش تحولات جدید ژئوپلیتیک منطقه بر نظم نوین سیاسی، اجتماعی و امنیتی خاورمیانه، مقاله حاضر به ارزیابی تحلیلی چگونگی شکل‌گیری، هویت‌یابی و سیاسی شدن پروسه یا پروژه ژئوپلیتیک نوین تشیع در خاورمیانه در قالب دو گفتمان ژئوپلیتیک سلطه و ژئوپلیتیک مقاومت پرداخته و بایسته‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در این زمینه را مورد بررسی قرار داده است.

واژه‌های کلیدی: ژئوپلیتیک شیعه، هلال شیعی، ژئوپلیتیک سلطه، ژئوپلیتیک مقاومت، خاورمیانه، ایران.

*E-mail: Javdani2020@gmail.com

۱- مقدمه

تحولات اخیر در خاورمیانه و دولت - ملت‌سازی در عراق که به افزایش نقش شیعیان در ساختار هرم سیاسی در این کشور و بازیابی هویت شیعیان در منطقه منجر شده است، سبب ظهور دکترین‌ها و نگرش‌های جدیدی در قبال چشم‌انداز سیاسی - امنیتی منطقه خاورمیانه شده است. در این میان، هلال شیعه^۱ یا ژئوپلیتیک نوین تشیع یکی از مهمترین نگرش‌های سیاسی است که از سوی برخی از دولت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بارها مورد توجه قرار گرفته و بر ضرورت مقابله با آن تأکید شده است. این اصطلاح که با عبارات و آمارهایی در مورد تعداد شیعیان و همگرایی آنان در تشکیل ژئوپلیتیک نوینی در خاورمیانه همراه است، مذهب شیعه را به‌عنوان محور ژئوپلیتیک در حال شکل‌گیری در منطقه در نظر گرفته و ظهور هلال شیعه در خاورمیانه را پیش‌بینی کرده است. از جمله مباحث مطرح در این مقوله، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- جمعیت شیعه جهان عرب، در قلب بزرگترین منطقه نفت‌خیز خاورمیانه و در کنار آبراه‌های حمل‌ونقل نفت در خلیج فارس قرار دارد و به همراه ایران می‌تواند بیشتر منابع نفتی خلیج فارس را تحت کنترل خود درآورد؛
- ۷۵ درصد از ذخایر نفتی جهان در خلیج فارس است و ۷۰ درصد جمعیت خلیج فارس شیعه هستند،
- شیعیان ۵۰ درصد جمعیت مسلمانان در قوسی در امتداد لبنان تا پاکستان را در اختیار دارند؛
- بیش از ۶۰ درصد جمعیت عراق را شیعیان تشکیل می‌دهند و با قدرت‌یابی شیعیان در آن، حلقه اتصال هلال شیعی تکمیل می‌شود؛
- ایران قلب ژئوپلیتیک تشیع است و با افزایش قدرت ایران در منطقه، شکل‌گیری هلال شیعی تسریع می‌شود؛
- تحولات نوین خاورمیانه سبب افزایش قدرت ایران و تقویت عناصر تشیع در منطقه شده و به قدرت‌یابی شیعیان کمک کرده است.

1. Shiite (Shi'a) Crescent

این مسئله که با نگرش‌های مختلف و نگرانی برخی دولت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای همراه شده است سبب تعاملات جدیدی در روابط دولت‌های منطقه گردیده است. از این‌رو در این مقاله به بررسی جغرافیایی تشیع در خاورمیانه، پیشینه تاریخی طرح هلال شیعه و تأثیرات بازیابی هویت شیعیان در ساختارهای قدرت و امنیت منطقه پرداخته شده است.

۲- بیان هدف و مسأله پژوهش

هدف از این پژوهش، بررسی و تبیین ژئوپلیتیکی جایگاه شیعیان در خاورمیانه و علل شکل‌گیری و اهمیت یافتن ژئوپلیتیک تشیع در منطقه است. بر این اساس، در این پژوهش با بررسی جغرافیا و پیشینه تاریخی انزوا، ستم، سرکوب و تبعیض اجتماعی علیه شیعیان به‌عنوان مذهب اقلیت در جهان اسلام، زمینه‌های شکل‌گیری رویکردی انتقادی به ژئوپلیتیک در خاورمیانه در قالب ژئوپلیتیک تشیع در مقابل ژئوپلیتیک سلطه مورد ارزیابی قرار سوال گرفته است. بنابراین سوال اصلی این پژوهش این است که: ژئوپلیتیک نوین تشیع در خاورمیانه براساس کدام یک از دو نگرش ژئوپلیتیک سلطه (در قالب یک پروژه) و یا ژئوپلیتیک مقاومت (در قالب یک پروژه) شکل گرفته است؟

۳- فرضیه تحقیق

ژئوپلیتیک تشیع از دیالکتیک دو گفتمان ژئوپلیتیک سلطه و ژئوپلیتیک مقاومت، از یک سو روایت انتقادی بازنمایی هویت فردی و جمعی شیعیان در اظهار نارضایتی از شرایط موجود و تلاش در تبدیل آن به وضعیت مطلوب و از سوی دیگر ساخته‌ای گفتمانی در ژئوپلیتیک مسلط برای حفظ شرایط موجود در توازن قدرت در خاورمیانه است.

۴- روش تحقیق

در این پژوهش از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. بر این اساس با توجه به اینکه محقق علاوه بر تلاش برای تعیین چستی ژئوپلیتیک نوین تشیع در خاورمیانه، به دنبال تبیین ملاحظات ژئوپلیتیکی حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در این زمینه نیز

بوده است، گردآوری اطلاعات از روشهای گوناگون و به‌طور کلی بر مبنای روش کتابخانه‌ای و اینترنتی صورت گرفته و سپس یافته‌های تحقیق عمده‌تاً به شیوه تحلیل کیفی ارزیابی شده است.

۵- مبانی نظری شکل‌گیری ژئوپلیتیک تشیع

ژئوپلیتیک در معنای کلاسیک به بررسی نقش عوامل جغرافیایی در سیاست بر اساس رویکرد گفتمان مسلط قدرت در روابط بین‌الملل می‌پردازد. در این معنا، ژئوپلیتیک کلاسیک یا ارتدوکس در قالب ژئوپلیتیک سلطه، از ترکیب سه پارامتر جغرافیا، قدرت و سیاست براساس نظم گفتمانی نوسان قدرت حاکم بر نظام بین‌الملل تعریف می‌گردد (Hafeznia, 2000: 84). لذا ژئوپلیتیک در این چارچوب گفتمانی، همان ژئوپلیتیک استعماری و رقابت شدید و آشکار قدرتهای منطقه‌ای و جهانی جهت نفوذ در مناطقی که با خلاء قدرت مواجه شده‌اند و ایجاد روابط ژئوپلیتیکی‌ای مبتنی بر نفوذ یا سلطه است. در واقع، ژئوپلیتیک سلطه، بازنمایی دانش و قدرت در دوره رقابت استعماری بود که قدرت‌های رقیب در طی جنگ‌های متعدد، خطوط قدرت را مرتب کرده یا آنرا تغییر می‌دادند و بر این اساس، مرزهای نقشه سیاسی جهان ترسیم می‌گشت (Dalby & Routledge, 1998: 15). بنابراین بنیانگذاران چشم‌اندازهای ژئوپلیتیک جهانی مانند ماهان، مکیندر، راتزل، کیلن و هوفر، ژئوپلیتیک را از بالا به پایین و از منظر بازی بزرگ ژئواستراتژیک منافع قدرتهای استعماری در عرصه جهانی ترسیم کردند.

با این وجود، این روایت از ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم متحول شده و ژئوپلیتیک انتقادی یا مقاومت یعنی روایت‌پردازی متفاوت و از پائین به تاریخ بر اساس نگرش طبقات تحت سلطه - که درگیر مقاومت در برابر دولت و کارکردهای ژئوپلیتیک هستند - شکل گرفته است. براساس چنین نگرشی در ژئوپلیتیک جدید برخلاف تفسیر گفتمان مسلط استعماری و با رویکردی انتقادی به ژئوپلیتیک مسلط، به نقش پروسه‌های نوین شکل‌گیری ژئوپلیتیک توسط نهضت‌ها و نیروهای اجتماعی، قومیت‌ها، جنبش‌های اجتماعی نوین، جنبش‌های مردم بومی و گروه‌های چریکی توجه می‌شود (Routledge, 2001: 557-558). در واقع، در ژئوپلیتیک انتقادی با واسازی معرفت‌شناسانه گفتمانهای ژئوپلیتیک، جغرافیا در زمینه‌ای اجتماعی و بین‌الذاتی

مورد تحلیل قرار می‌گیرد (Reynolds, 1994: 396).

ژئوپلیتیک نوین تشیع که اخیراً در خاورمیانه مورد توجه قرار گرفته است نیز بر اساس دو رویکرد گفتمان ژئوپلیتیک سلطه و مقاومت قابل تحلیل است. به‌گونه‌ای که در ژئوپلیتیک سلطه، شکل‌گیری و بازنمایی هویت و سیاسی شدن شیعیان و ظهور ژئوپلیتیک نوین تشیع در خاورمیانه به‌عنوان رابطه‌ای کنش‌مند و متقابل میان قدرت، سیاست و جغرافیا و پروژه‌ای در راستای منافع بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تفسیر شده و در قالب ژئوپلیتیک مقاومت، احیای شیعیان در بستر یک جنبش اجتماعی نیروهای منزوی و محروم جوامع خاورمیانه جهت‌گذار به شرایط مطلوب تبیین می‌گردد. با توجه به این دو رویکرد متفاوت به ژئوپلیتیک تشیع، در مقاله حاضر به بررسی این دو تفسیر از ژئوپلیتیک نوین تشیع پرداخته شده و میزان توهم یا واقعیت این سازه گفتمانی براساس ژئوپلیتیک سلطه و مقاومت، مورد ارزیابی قرار گرفته است.

۶- جغرافیای شیعه

پراکندگی جغرافیایی شیعیان جهان را در منطقه‌ای از جنوب شرق آسیا تا اروپا می‌توان مشاهده کرد. در این میان بیشترین جمعیت ۲۱۵ میلیونی شیعه که حدود ۱۵ درصد جمعیت مسلمانان جهان است، در کشورهای ایران (با حدود ۶۸ میلیون نفر)، پاکستان (۳۳ میلیون)، هند (۳۱ میلیون)، عراق (۲۱ میلیون) و ترکیه (۱۴ میلیون) قرار دارند. با این وجود تنها در ۴ کشور ایران (۹۰ درصد)، عراق (۶۵ درصد)، بحرین (۷۵ درصد) و آذربایجان (۷۵ درصد) شیعیان حداکثر جمعیت را به خود اختصاص داده‌اند و در لبنان نیز شیعیان بزرگترین گروه جمعیتی (حداقل ۴۵ درصد) را تشکیل می‌دهند (Nasr, 2006: 25). تخمین جمعیت شیعه عرب حدود ۱۴ میلیون نفر است که بیش‌تر در کشورهای حاشیه خلیج فارس مستقر هستند (Fuler, 2005: 23). لذا شیعیان در خلیج فارس ۷۰ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند و علاوه بر سراسر کرانه شمالی (ایران) و بخش گسترده‌ای از کرانه جنوب آن (بحرین، الحساء و کویت) که دارای جمعیت بومی شیعه هستند، در منطقه‌ای از فلسطین تا پاکستان ۱۴۰ میلیون از ۴۰۰ میلیون نفر جمعیت منطقه را شامل

می‌شوند. در این میان ایران با اکثریت مطلق ۹۰ درصد شیعه که ۶۸ میلیون نفر از جمعیت این کشور هستند، قلب ژئوپلیتیک شیعه و تنها دولت شیعی قبل از تحولات اخیر در عراق محسوب می‌شد و مرکز اصلی مذهب شیعه و حمایت از شیعیان تحت لوای نظام جمهوری اسلامی ایران به حساب می‌آمد (Ahmadi, 2010: 48).



نقشه شماره ۱: جغرافیای شیعه (Nasr, 2006: 25)

جدول شماره ۱: پراکندگی شیعیان در واحدهای سیاسی جهان^۱

کشور	جمعیت	درصد مسلمان	جمعیت مسلمان	درصد جمعیت شیعه	جمعیت شیعیان
ایران	۷۵.۰۰۰.۰۰۰	%۹۹.۴	۷۳.۷۷۷.۷۷۷	%۹۰-۹۵	۶۸.۰۰۰.۰۰۰
عراق	۳۰.۰۰۰.۰۰۰	%۹۹	۲۷.۹۳۶.۰۰۰	%۶۵-۷۰	۲۱.۱۵۸.۴۰۰
آذربایجان	۸.۵۸۱.۴۰۰	%۹۹.۲	۸.۲۳۸.۱۴۴	%۶۵-۷۵	۶.۱۷۸.۶۰۸
بحرین	۷۱۸.۰۰۰	%۸۱.۲	۵۷۰.۰۰۰	%۶۵-۷۵	۴۲۰.۰۰۰
لبنان	۳.۸۰۰.۰۰۰	%۵۹.۳	۲.۱۰۴.۳۱۰	%۴۵-۶۰	۱.۲۰۰.۰۰۰
سوریه	۱۸.۴۰۰.۰۰۰	%۹۲.۲	۱۶.۵۶۰.۰۰۰	%۱۵-۲۰	۲.۴۸۴.۰۰۰
عربستان	۲۴.۶۰۰.۰۰۰	%۹۷	۲۳.۷۰۰.۰۰۰	%۱۰-۱۵	۲.۸۶۰.۰۰۰
کویت	۲.۸۰۰.۰۰۰	%۹۵	۲.۶۶۰.۰۰۰	%۳۰-۳۵	۹۱۰.۰۰۰
قطر	۸۰۰.۰۰۰	%۷۷.۵	۷۶۰.۰۰۰	%۱۰-۱۵	۷۶.۰۰۰
امارات متحده عربی	۴.۶۰۰.۰۰۰	%۷۶.۲	۳.۴۹۶.۰۰۰	%۱۰-۲۰	۶۶۲.۴۰۰
پاکستان	۱۶۵.۸۰۳.۵۶۰	%۹۶.۳	۱۶۰.۸۲۹.۴۵۰	%۱۵-۲۰	۳۳.۱۶۰.۷۱۲
هند	۱.۱۰۳.۰۶۰.۰۰۰	%۱۴	۱۵۴.۵۰۰.۰۰۰	%۱۰-۱۵	۳۰.۹۰۰.۰۰۰
افغانستان	۲۹.۹۰۰.۰۰۰	%۹۹.۷	۲۹.۶۰۱.۰۰۰	%۱۰-۱۵	۵.۳۲۸.۱۸۰
ترکیه	۷۵.۰۰۰.۰۰۰	%۹۸	۷۳.۰۰۰.۰۰۰	%۱۰-۱۵	۱۴.۰۰۰.۰۰۰
یمن	۲۵.۰۰۰.۰۰۰	%۹۹.۱	۲۳.۳۶۳.۰۰۰	%۳۵-۴۰	۹.۰۰۰.۰۰۰

Wikipedia & World Fact Book, 2009

۱- نکته: هیچ آمار رسمی و یکسانی از تعداد شیعیان جهان وجود ندارد و در تمامی آمار تعداد شیعیان، اختلاف وجود دارد. به علاوه در این آمارها، تعداد جمعیت شیعیان در تمامی فرقه‌های ۱۲ امامی، علوی، زیدی، بهره و ... محاسبه شده است. برای مطالعه بیشتر نک:

- Demographics of Islam and Shia: Wikipedia, the Free Encyclopedia (2009)
 - CIA- The World Fact Book – Field Listing- Religions

اهمیت جایگاه و منزلت شیعیان در منطقه به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک آنان در خاورمیانه است. در واقع موقعیت جغرافیایی استقرار شیعیان یا ژئوپلیتیک شیعه در منطقه خاورمیانه با (سرزمین مرکزی) کمربندی استراتژیک، اقتصادی و سیاسی در منطقه محسوب می‌شود، زیرا شیعیان در قلب بزرگترین منطقه نفت خیز خاورمیانه که ۷۵ درصد از ذخایر نفتی جهان را در اختیار دارد، قرار گرفته‌اند و با اکثریت جمعیت شیعی ایران، عراق و آذربایجان بر ۳۰ درصد ذخایر نفت دنیا دسترسی دارند که اگر قسمت شیعه‌نشین شرق عربستان سعودی به این ارقام اضافه شود این مقدار به ۵۰ درصد می‌رسد، بنابراین شیعیان عرب به همراه ایران می‌توانند اکثر منابع خلیج فارس را به کنترل خود درآورند (Fazelinia, 2007: 132-135). علاوه بر این اهمیت این موضوع با توجه به این که ۷۰ درصد کارکنان شاغل در میدین نفتی عربستان شیعه هستند و ۲۵ درصد شهروندان کویت و ۱۵ درصد جمعیت قطر و ۷۵ درصد مردم بحرین نیز شیعه هستند تشدید می‌شود (Toal, 2000: 126). این مسئله با توجه به تحولات اخیر در منطقه که با دومینوی هویت‌یابی شیعیان در عراق آغاز شده و اولین دولت عرب شیعی را به وجود آورده است، از اهمیت بیشتری برخوردار شده است.



نقشه شماره ۲: تمرکز ژئواستراتژیک شیعیان در خاورمیانه (Thompson, 2009: 23)

۷- پیشینه تاریخی ژئوپلیتیک تشیع

با ظهور دین اسلام در شبه جزیره عربستان، شکل‌گیری تشیع در این منطقه نیز با حضور شیعیان و گسترش آنان بعد از رحلت پیامبر و اعتراض سیاسی به روند جانشینی آغاز گردید. این صورت اولیه تشیع از قرن نهم میلادی به بعد به شکل عقیده جداگانه و قابل تشخیصی درآمد و طی حکومت عباسیان، مراکز آموزشی شیعه در عراق و ایران توسعه یافتند. در قرن دهم در دوران حکومت آل‌بویه در عراق و حمدانیان در سوریه که هر دو تمایلات شیعی داشتند، این امر شدت یافت. با آغاز سلسله صفویه که اولین دوره حاکمیت شیعیان در ایران شناخته می‌شود در منطقه‌ای از ایران تا جنوب عراق و لبنان جریان شیعه تقویت شد (Momen, 1980: 97). بنابراین با رسمی‌شدن مذهب تشیع در ایران توسط شاه اسماعیل صفوی از یک‌سو با دعوت شاه اسماعیل از علمای شیعه جبل عامل لبنان و بحرین و ورود

کتب اساسی شیعه از آناتولی، لبنان و عراق به ایران، اصول و دکترین‌های مذهبی تشیع تدوین گردید و از سوی دیگر برای اولین بار جهان اسلام به دو قطب صفویان شیعه و عثمانیان سنی تقسیم گردید. این مسأله به دلیل هویت‌یابی و تشخیص مستقل یک دولت شیعی از جهان اسلام سنی مذهب آن زمان، نقطه عطف بسیار مهمی در تاریخ تشیع محسوب می‌شد با این وجود، پس از سقوط سلسله صفویان تا پیروزی انقلاب اسلامی در ایران در ۱۳۵۷ هجری شمسی (۱۹۷۹م) علی‌رغم تداوم جریان شیعه در منطقه، هویت شیعی کم‌رنگ‌تر شده و ظهور دولت‌های استبدادی و سپس سکولار مانع هویت‌یابی شیعیان در منطقه شدند. در این میان پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، جنبه‌های بالقوه ایدئولوژی مذهبی شیعه را بالفعل کرد و با احیای هویت واحد اسلامی، مبارزه با ناسیونالیسم و برقراری اتحاد جهان اسلام در برابر غرب و مسئله صدور انقلاب ایران، سرآغاز هویت‌یابی مسلمانان و بویژه شیعیان در منطقه و تحولات و دگرگونی‌های سیاسی عمده‌ای در کشورهای خاورمیانه شد. در واقع پیروزی انقلاب در ایران و ارائه نظریه ولایت فقیه و تأکید به صدور انقلاب بر پایه اعتقاد به وحدت جهان اسلام و گذرا بودن مفاهیم کشور و حکومت به‌عنوان مقدمه‌ای برای رسیدن به پیروزی اسلام ناب، سبب شد تا انقلاب اسلامی ایران به الگویی برای جنبش‌های اسلامی در سراسر جهان تبدیل شده و در این میان شیعیان نیز در جهت بازسازی جایگاه سیاسی خویش و با حمایت ایران تحریک گردند. این مسئله در همان ابتدای پیروزی انقلاب مورد توجه دولت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار گرفته و با توجه به گرایش نه شرقی و نه غربی سیاست خارجی ایران، ژئوپلیتیک شیعه به‌معنای امتداد جغرافیای سیاسی شیعیان در کشورهای خاورمیانه به مرکزیت ایران طرح و تا مدت‌ها تبلیغ شد. چنانچه در همایش بین‌المللی که در اسرائیل درباره شیعه در ۱۹۸۴ برگزار شد و در کتاب شیعه، مقاومت و انقلاب تدوین شد، مارتین کرامر محقق اسلام‌ستیز آمریکایی به ژئوپلیتیک شیعه و اهمیت آن اشاره می‌کند: «جنبش‌های شیعی امروزه استراتژی‌های سیاسی فوق‌العاده اصیلی ابداع کرده‌اند که غالباً موجب شگفتی و حیرت دنیای اسلام و غرب شده است. این شیوه‌ها در ایران از عظیم‌ترین موفقیت‌ها برخوردار بوده‌اند و الهام‌بخش سایر شیعیان در دنیای عرب و جنوب آسیا نیز شده‌اند. کمربندی از تشیع، حیات

اقتصادی، استراتژیکی و تاریخی اسلام را در بر می‌گیرد و بخش‌هایی از لبنان، سوریه، عراق، عربستان، کویت، بحرین، ایران، افغانستان، پاکستان و هندوستان را می‌پوشاند. این کمر بند که در کشورهای مختلف به اکثریت و اقلیت شیعه تقسیم می‌شود، خود دنیایی است که تأثیرات گوناگون در آن به سرعت انتقال می‌یابد» (Kramer, 1984: 36).

با آغاز جنگ ایران و عراق و تداوم جنگ تحمیلی، بسیاری از جنبش‌های اسلامی در منطقه بویژه شیعیان که شاهد تداوم درگیری میان دو کشور ایران و عراق با اکثریت جمعیت شیعه بودند در وضعیت پیچیده‌ای قرار گرفتند و کم‌کم تحت فشار و اذیت دولت‌های منطقه که از احیای رستاخیز شیعه نگران بودند در محاق قرار گرفتند.

۸- دولت شیعی عراق و سیاسی شدن ژئوپلیتیک تشیع

تحولات اخیر در خاورمیانه و تشکیل دومین دولت شیعی منطقه پس از سقوط رژیم بعثی عراق که به معنای آغاز فصل جدیدی در معادلات امنیتی و سیاسی خاورمیانه و موج نوین احیای آگاهی اسلامی و بازسازی هویت شیعیان و تأثیر آن بر فرایندهای سیاسی منطقه است، مبدأ طرح مجدد هلال شیعه در خاورمیانه است. این تحولات قواعد و الگوی روابط منطقه‌ای اعراب را دگرگون کرده و با به قدرت رسیدن شیعیان عرب در عراق، زمینه مناسبی برای هویت‌یابی شیعیان در تمامی کشورهای حوزه خلیج فارس که مسلمانان فراموش شده و شهروندان درجه دوم هستند را به وجود آورده است (Zweiri & Konig, 2008: 514). این مسئله با توجه به اهمیت عراق از نظر تعداد شیعیان، که ۶۵ درصد جمعیت ۳۰ میلیونی عراق که تقریباً ۲۰ میلیون نفر را تشکیل می‌دهد و همچنین از نظر تأثیر فکری و ایدئولوژیک مهمترین گروه شیعه در جهان عرب بر شیعیان منطقه از اهمیت خاصی برخوردار شده است. بنابراین تحولات سیاسی عراق سبب شده است تا شیعیان عراق به مرکز تأثیرگذار هویت و رفتار سیاسی سایر شیعیان عرب تبدیل شوند و شیعیان منطقه که همواره با دیده تردید نسبت به وفاداری آنان به دولت مرکزی نگریسته شده است و در وضعیت نابسامان سیاسی، اقتصادی و اجتماعی قرار دارند به دنبال تثبیت قدرت خود و بهبود اوضاع سیاسی و اقتصادی شیعیان برآیند و زندگی سیاسی جدیدی را با بازتعریف جایگاه شیعیان به عنوان یک

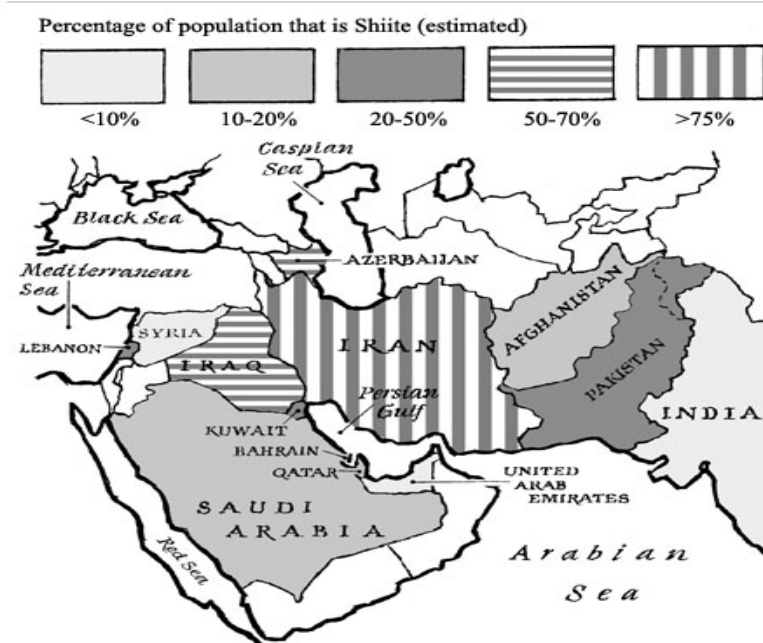
مذهب مؤثر در منطقه آغاز کنند. این مسئله همچنین سبب شده است تا با تحولات جدید سیاسی در عراق، ایران به عنوان بزرگترین قدرت منطقه‌ای ظهور کند و لذا با افزایش نگرانی از پررنگ شدن نقش عنصر شیعی در ساختار قدرت منطقه و تقویت جایگاه هژمونیک ایران در جهان عرب، طرح هلال شیعی یا ژئوپلیتیک شیعه مجدداً مطرح شده است. از این رو نگرانی از ژئوپلیتیک متحول شیعه در خاورمیانه در نشست ژنرال‌های آمریکایی در آوریل ۲۰۰۳ طرح شده و به دولت آمریکا توصیه شد که برای ایجاد امنیت در منطقه خاورمیانه، هلال دموکراسی در کشورهای شیعه‌نشین به وجود آید (Kessler & Priest, 2003: 8).

این راهکار که تداوم استراتژی خاورمیانه بزرگ بود با پیروزی شیعیان و قدرت‌یابی آنان در ساختار سیاسی عراق وارد مرحله پیچیده‌ای شد و زمینه طرح بحث شکل‌گیری هلال شیعه را برای نخستین بار توسط ملک عبدالله پادشاه اردن در دسامبر ۲۰۰۴ میلادی به وجود آورد. ملک عبدالله در مصاحبه‌ای با واشنگتن پست، با طرح اتهاماتی علیه ایران که به دنبال تشکیل هلال شیعه در منطقه است و در این راستا به مداخله در عراق و تلاش در ایجاد جمهوری اسلامی در عراق دست زده است پرداخت و در مورد ایجاد هلال شیعی در منطقه که باعث مشکلاتی در کشورهای خلیج فارس که گروه‌های شیعی در آنها هستند هشدار داده و در این مورد حتی عربستان سعودی را از خطر ظهور هلال شیعی مصون ندانست. نگرانی از افزایش نقش و نفوذ ایران در منطقه و تحولات سیاسی خاورمیانه در قالب هلال شیعی پس از آن به‌طور مکرر توسط سایر رهبران و مقامات جهان عرب طرح شد، چنانچه یک ماه پس از اعلام خطر هلال شیعی توسط ملک عبدالله، حسنی مبارک رئیس‌جمهور مصر نیز با این عنوان که «شیعیان عراق و لبنان پیوندشان با ایران قوی‌تر از وابستگی‌شان به کشورهای خودشان است»، نگرانی خود را از تقویت محور شیعی در خاورمیانه ابراز کرد.

همچنین پادشاه عربستان در مصاحبه با روزنامه کویتی‌السیاسه از شیعه‌سازی اهل سنت توسط ایران ابراز نگرانی کرد و چندی بعد نیز یکی از بزرگترین مقامات مذهبی عربستان به نام شیخ عبدالله بن عبدالرحمن الجبرین عضو مجلس اعلای افتاء و دعوت و تبلیغ سعودی، بحثی تحت عنوان ضرورت یاری اهل سنت در عراق را مطرح کرد (Terhale, 2007: 6). سپس این

مسئله توسط بسیاری از شخصیت‌های سیاسی، امنیتی، اجتماعی و مذهبی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و رسانه‌های غربی بارها تکرار شد. ادعای ایجاد هلال شیعی و مداخله ایران در عراق و کشورهای منطقه سبب شد که حتی این تصور در میان برخی از اعراب سنی منطقه به وجود آید که ایران با همکاری مخفیانه با آمریکا در صدد ضربه زدن به اعراب و سنی‌ها می‌باشد. این مسئله زمینه‌ساز فرقه‌گرایی و شیعه‌ستیزی در میان سنی‌های منطقه معادل با آمریکاستیزی در خاورمیانه شد.

Shiites in Selected Countries



نقشه شماره ۳: پراکندگی جمعیت شیعیان در منطقه (6: Nasr, 2006)

طرح هلال شیعی علاوه بر تحولات عراق و ظهور یک دولت شیعی برخاسته از برگزاری انتخابات دموکراتیک در این کشور، از سال ۲۰۰۴ تاکنون به دلیل وقوع برخی تحولات جدید در منطقه بارها مورد توجه قرار گرفته و اخیراً نیز از یک سو در قالب گسترش همگرایی آمریکا و دولت‌های عرب منطقه در راستای تقویت جریان شیعه سکولار در دومین انتخابات پارلمانی

عراق و مقابله با افزایش نفوذ ایران در این کشور در دستور کار قرار گرفته و از سوی دیگر در قالب اتحاد استراتژیک اعراب و آمریکا و گسترش فروش تسلیحات نظامی به رقمی بالغ بر ۲۰ میلیارد دلار به دولت‌های متحد آمریکا در منطقه و تشدید ایران هراسی و تهدیدسازی پرونده هسته‌ای ایران پیگیری شده است.

در این میان، مهمترین تحولات خاورمیانه که سبب تقویت طرح بحث هلال‌شیمی و همگرایی آمریکا و اعراب در منطقه شده است عبارتند از:

۱- افزایش نفوذ ایران در منطقه با تقویت توانایی‌های علمی و تکنولوژیک و بویژه قابلیت‌های دفاعی و نظامی آن و افزایش قدرت نرم ایران در منطقه؛

۲- تداوم فعالیت‌های هسته‌ای ایران در سایه دستیابی به چرخه سوخت هسته‌ای و افزایش قدرت و اقتدار ملی ایران؛

۳- هویت‌یابی شیعیان در پرتو تحولات عراق و تغییر رویکرد تحریم و عدم شرکت در انتخابات به رویکردی دموکراتیک در میان شیعیان که با ترکیب ۴۵ درصدی شیعی لبنان و جمعیت ۷۵ درصدی شیعی بحرین پیروزی دیگری را برای شیعیان رقم زد. چنانچه در انتخابات اخیر در بحرین شیعیان حضور گسترده‌ای داشته و جمعیت وفاق ملی اسلامی به ریاست علی سلمان رهبر بزرگترین حزب شیعی بحرین با ۱۷ نامزد در انتخابات پارلمانی و ۲۴ نامزد در انتخابات شهرداری‌ها در عرصه رسمی سیاسی این کشور حضور پیدا کرد و توانست با انتخاب مردم ۱۶ نامزد خود را به پارلمان جدید بفرستد (Wehrey, 2006: 3). این رویداد باعث تحریک شیعیان عربستان سعودی شده و در انتخابات داخلی سال ۲۰۰۵ عربستان، در مناطق شیعه‌نشین مشارکت سیاسی دو برابر سایر نقاط بوده و شیخ حسن الصفر یکی از شخصیت‌های منتقد عربستان با مقایسه میان شیعیان این کشور با شیعیان عراق، آنان را به کسب امتیازات سیاسی و اجتماعی بیشتر در پی شرکت در انتخابات فراخواند (Nasr, 2006: cfr)؛

۴- پیروزی حزب‌الله در جنگ ۳۳ روزه علیه اسرائیل در سال ۲۰۰۶ میلادی که سبب تقویت محبوبیت این جنبش و سیدحسن نصرالله به‌عنوان قهرمان جدید اعراب شد و زمینه‌های سیاسی لازم را برای تغییر دولت سینیوره در لبنان به‌وجود آورد. همچنین این پیروزی به احیای

مقاومت اسلامی در منطقه و شکست طرح خاورمیانه جدید آمریکا که با هدف مهار جریانات رادیکال مخالف سیاست‌های آن در خاورمیانه تدوین شده بود انجامید که سبب هویت‌بخشی شیعیان و تثبیت آنان در جغرافیای سیاسی هلال شیعه و بیداری جهان اسلام شد. علاوه بر این، پیروزی حزب‌الله سبب گسترش نفوذ ایران با بازیگری این جنبش در جنگ نیابتی آمریکا و اسرائیل با ایران شد که به تقویت قدرت ایران و گسترش نفوذ آن در منطقه انجامید؛

۵- تقویت جایگاه حماس و ژئوپلیتیک مقاومت در خاورمیانه پس از ناکامی اسرائیل در جنگ ۲۲ روزه غزه و تأکید حماس بر مقاومت اسلامی به‌عنوان تنها راه دستیابی به اهداف خود در منطقه که سبب تضعیف جریان محافظه‌کار فتح و بازیگری حماس در نقش دومینوی منطقه‌ای ایران شد؛

۶- ناکامی آمریکا در تثبیت موقعیت خود در افغانستان و عراق و مذاکرات آن با ایران که سبب افزایش وزن ایران در معادلات امنیتی منطقه و ارتقای نقش آن در حل بحران‌های منطقه‌ای و تضعیف توازن هژمونی منطقه‌ای ایران و هژمونی فرامنطقه‌ای آمریکا به سود ایران شد. همچنین ناکامی طرح خاورمیانه جدید و معمای هلال شیعه یا هلال دیکتاتورهای سنی حاکم در منطقه و بحران امنیت در عراق سبب افزایش نگرانی دولت‌های منطقه از برانگیختگی جهان تشیع و ایجاد هلال شیعه به رهبری ایران در منطقه شد؛

۷- تثبیت نقش شیعیان در ساختار سیاسی عراق در انتخابات شوراهای استانی در سال ۲۰۰۹ و دومین انتخابات پارلمانی در سال ۲۰۱۰ که علی‌رغم ایجاد شکاف‌هایی میان ائتلاف‌های انتخاباتی شیعیان، اکثریت کرسی‌های پارلمان در اختیار شیعیان قرار گرفت.

مجموعه این عوامل سبب تکرار خطر تشکیل هلال شیعی از سوی مقامات رسمی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و تلاش مشترک آنان در کاهش نفوذ ایران در منطقه شده و به فرقه‌گرایی و تنش‌های مذهبی در منطقه دامن زده است، به‌گونه‌ای که علاوه بر فتاوی برخی علمای وهابی سعودی علیه شیعیان، حمایت‌های مالی، امنیتی و سیاسی برخی دولت‌های عربی از تداوم بحران امنیت در عراق به‌منظور تقویت شیعیان سکولار در این کشور تشدید شده است.

۹- بازیگردان هلال شیعه در خاورمیانه

به طور کلی اگرچه طرح هلال شیعه را می توان محصول تقویت پتانسیل های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ژئوپلیتیک شیعه در منطقه دانست که زمینه ساز تغییر نقشه سیاسی و ایدئولوژیک خاورمیانه شده و به افزایش خودآگاهی و هویت یابی شیعیان در منطقه کمک کرده است، اما هیچ اجتماعی در مورد چگونگی ظهور آن در خاورمیانه وجود ندارد به گونه ای که روایت پردازی های مختلفی در قالب دو گفتمان ژئوپلیتیک سلطه - ازسوی قدرتهای برتر منطقه ای و فرامنطقه ای و در راستای حفظ و بسط منافع شان به صورت یک پروژه از قبل طراحی شده - و ژئوپلیتیک مقاومت - از سوی شیعیان به عنوان جنبشی اجتماعی علیه تبعیض ساختاری حاکم بر آنان در منطقه در طول تاریخ در قالب یک پروسه - در این زمینه مطرح شده است. این نگرش های مختلف را می توان به صورت زیر تقسیم بندی کرد:

الف: پروژه هلال شیعه (روایت پردازی گفتمان ژئوپلیتیک سلطه از احیای شیعیان)

بر اساس این نگرش، ایجاد ژئوپلیتیک نوین تشیع یا هلال شیعی پروژه ای هدفدار با طراحی مشخص و در راستای دستیابی به اهداف خاصی در منطقه تدوین شده است. بر این اساس، طراحی پروژه هلال شیعی و یا تکرار و تداوم بحث در مورد پان شیعیسم در منطقه، رویکردی هدف محور بوده و از مرکز مدیریت مشخصی هدایت می شود. با این وجود هیچ وحدت نظری در مورد بازیگران یا طراح آن وجود ندارد و چهار نگرش پروژه محور به هلال شیعه مطرح شده است:

۱) هلال شیعی و اندیشه کسب قدرت هژمونیک ایران در منطقه

بر اساس این نگرش، عده ای معتقدند که هلال شیعی یک پروژه واقعی است که از سوی ایران در پرتو تحولات جدید در خاورمیانه به وجود آمده است. در واقع تحولات منطقه ای بویژه در عراق و لبنان و گسترش تعاملات ایران و سوریه، سبب خیزش دوباره جاه طلبی ایرانیان با تکیه بر ایدئولوژی و ملی گرایی شده و هژمونی منطقه ای را به مرکزیت ایران و مذهب شیعه از

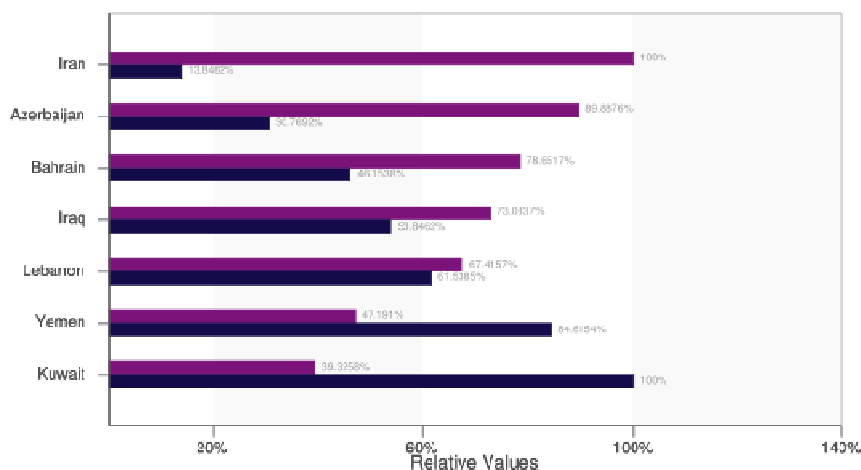
بین‌النهرین تا آسیای میانه در قالب ژئوپلیتیک شیعه به وجود آورده است. از این رو ایران با رهایی از تهدید طالبان در افغانستان و صدام در عراق، سردمدار احیای تشیع در خاورمیانه شده و با تأکید بر پان‌اسلامیسم در سیاست خارجی دولت جدید به جذب توده‌های شیعه و سنی در منطقه پرداخته و در تلاش برای کسب مجدد رهبری ام‌القری اسلام که از ابتدای انقلاب تاکنون ناکام بوده است، به دنبال دستیابی به رهبری جهان شیعه برآمده است. در این راستا مواضع رادیکال ضد آمریکایی و ضد اسرائیلی ایران نیز تلاشی برای بسیج افکار عمومی جهان عرب و بویژه شیعیان و به حاشیه راندن نیروهای طرفدار غرب در منطقه محسوب می‌شود (Razavi, 2010: 15). مهمترین اهداف ایران در تدوین و اجرای هلال شیعه عبارتند از:

۱- کسب هژمونی منطقه‌ای که در آن ایران نفوذ بیشتری در منطقه دارد و بر ساختارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی منطقه مسلط شده است؛

۲- پایان تسلط سنتی حکومت سنی‌ها بر منطقه و خروج شیعیان از انزوا که با هویت‌یابی شیعیان و کسب جایگاه بهتر آنان در دولت‌های منطقه میسر می‌شود و به تقویت هژمونی منطقه‌ای شیعیان در هلال شیعه به رهبری ایران کمک می‌کند؛

۳- خروج آمریکا و نیروهای فرامنطقه‌ای از خاورمیانه و نابودی اسرائیل به‌عنوان نماینده نیابتی آمریکا در منطقه که از طریق تقویت دومینوهای شیعی تحت نفوذ ایران در هلال شیعه میسر می‌شود (The Emerging shia symposium, 2006: 8-9).

با توجه به مجموعه این عوامل، براساس این رویکرد، هلال شیعی یک پروژه ایرانی در گسترش شیعه‌بین‌المللی است که خطر آن از سوی اعراب منطقه و قدرت‌های فرامنطقه‌ای درک و بارها گوشزد شده و به همگرایی آنان در مقابله با نیات واقعی ایران در ایجاد هلال شیعه که هم راستا با صدور انقلاب در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی ایران می‌باشد، گردیده است.



نمودار شماره ۱: نسبت شیعیان و اهل سنت در منطقه

نکته: ایران می‌تواند با ایجاد هلال شیعی، در کشورهای منطقه خاورمیانه به‌ویژه در عراق، بحرین، لبنان، کویت و آذربایجان که درصد بالایی از جمعیت آنان را شیعیان تشکیل می‌دهند، هژمونی منطقه‌ای شیعی را در خاورمیانه به‌دست گیرد.

۲) شبح هلال شیعه، تاکتیک نوین آمریکا در خاورمیانه

براساس این نگرش، طرح مسئله ظهور هلال شیعه و تکرار آن و هشدار مداوم به دولت‌های منطقه از سوی آمریکا، پروژه‌ای است که با شکست استراتژی خاورمیانه بزرگ و سپس خاورمیانه جدید آغاز شده است. بر این اساس، پروژه آمریکایی ایجاد شبح هلال شیعه در خاورمیانه در راستای منافع آمریکا در منطقه ساخته شده است. بنابراین اگرچه تحولات جدیدی در ژئوپلیتیک شیعه در منطقه به‌وجود آمده است، اما قدرت‌نمایی شیعیان هرگز در آن حدی که مورد تهدید و تحذیر قرار می‌گیرد نبوده و چشم‌اندازی از ظهور هلال شیعه یا طراحی ژئوپلیتیک با محوریت شیعیان در منطقه وجود ندارد. در واقع شکست استراتژی‌های آمریکا در خاورمیانه علت اصلی طرح تاکتیک جدید القای تهدید به دولت‌های منطقه از تشکیل هلال شیعی به رهبری ایران شده است (Jamali, 2008: 27-32). از این‌رو مهمترین اهداف

آمریکا از ساختن ایده ظهور هلال شیعی در خاورمیانه عبارتند از:

۱- فرافکنی شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه بویژه در قبال عراق و ایران و تلاش در ایجاد جبهه متحدی از سوی همسایگان این کشورها که با تاکتیک هراسی صورت می‌گیرد؛

۲- جنگ روانی جدید علیه جهان اسلام و ایران با خلق دشمن موهوم و غیرواقعی که جایگزین کمونیزم در منطقه شده است. این جنگ روانی و تبلیغاتی راستای پیگیری اهداف سیاست خارجی آمریکا در منطقه و توجیه حضور آن در خاورمیانه و مشروعیت‌بخشی به اقدامات آمریکا حتی در حمله به یک کشور اسلامی (ایران) از سوی دولت‌های منطقه طراحی شده است؛

۳- اعمال سیاست سنتی «تفرقه بینداز و حکومت کن» در راستای تضعیف همزمان شیعه و سنی توسط یکدیگر در قالب استراتژی هرج و مرج مدیریت شده؛^۱ به گونه‌ای که با جدا کردن بخشی از جهان اسلام یعنی اهل تسنن از بخش دیگر آن یعنی شیعیان و ایجاد تفرقه و دشمن‌تراشی، در ابتدا نوک پیکان حملات خود را متوجه شیعیان بویژه ایران کرده و با تضعیف آن در منطقه توسط اهل سنت، به آسودگی به سراغ سنی‌ها رفته و به تضعیف گام به گام اسلام در منطقه دست می‌یابد (Golpira, 2007: 4)؛

۴- ساختن دشمن جدیدی برای بنیادگرایان سنی که با پایان جنگ سرد و بویژه پس از ۱۱ سپتامبر آمریکا را دشمن اصلی خود می‌دانستند، بنابراین با تدوین خطر تشکیل هلال شیعی، شیعیان به دشمن آنان در منطقه تبدیل شده و آمریکا از تیررس حملات تروریستی آنان تا حدودی مصون می‌ماند. به علاوه که با همگرایی دولت‌های عربی سنی و آمریکا و حتی برخی بنیادگرایان سنی نیز شیعیان و ایران به دشمن اصلی سلفی‌ها و گروه‌های تکفیری تبدیل شده‌اند. چنانچه زرقاوی در این زمینه می‌گوید که: «پیروزی تمام عیار مسیحیون و یهود جز با پیروزی شیعیان که عامل مخفی دشمنان اسلامند ممکن نیست، لذا اگر مسیحی یا یهودی نمی‌توانید بکشید شیعیان را بکشید». همچنین او با رد همه شواهد موجود جنبش حزب‌ا... را حافظ مرز اسرائیل می‌داند که هدف آنان هرگز مبارزه با اسرائیل نیست (Esmaeeli, 2007: 95-100)؛

1. Managed Chaos

۵- تلاش در تضعیف موقعیت منطقه‌ای ایران و کاستن از تأثیرگذاری آن بر منطقه و تعمیق شکاف میان ایران و دولت‌های عرب منطقه که در قالب سیاست مهار جدید ایران از سوی دولت‌های خاورمیانه صورت می‌گیرد (Mojtahedzadeh, 2006). بنابراین تدوین و اجرای تهدید ظهور هلال شیعه تداوم سیاست‌های گذشته آمریکا در قبال ایران است که این بار با انشقاق میان شیعه و سنی در منطقه پیگیری می‌شود؛

۶- کنترل، تضعیف، مقابله و نابودی ژئوپلیتیک مقاومت در خاورمیانه و احیای اسلام سیاسی که مانع اصلی اجرای سیاست‌های آمریکا در منطقه است و سبب شکاف میان دولت‌های عربی منطقه و مردم نیز شده است، به گونه‌ای که در حالی که مردم منطقه خواهان احیای مقاومت علیه استعمار و بویژه آمریکا و اسرائیل هستند برخی دولت‌های عربی و حتی علمای سنی با همکاری با آمریکا و اسرائیل، فتاویی را علیه مقاومت صادر کرده‌اند، چنانچه در جنگ اخیر اسرائیل و حزب‌ا... لبنان، حتی مردم را از دعا برای پیروزی حزب‌ا... در جنگ منع کردند. بنابراین ترس آمریکا از هلال شیعی و زنجیره مقاومت در خاورمیانه سبب جنگ روانی و تحریف واقعیت و جعل اصطلاح و مفهوم‌سازی هلال شیعی شده است؛

۷- انحراف اذهان تصمیم‌گیرندگان کشورهای مسلمان با بزرگنمایی تهدید شیعیان از مسئله اسرائیل و ایجاد فضای تنفس جدیدی با مهار شیعیان و زنجیره مقاومت در منطقه برای اسرائیل؛
۸- نگرانی آمریکا از تضعیف هژمونی آن در منطقه بویژه کنترل آن بر منابع نفتی خاورمیانه که به تعبیر چامسکی ابزار سلطه جهانی آمریکاست و نفوذ ایران در هلال شیعه، کنترل آمریکا را بر این منابع به چالش می‌کشد. بنابراین تضعیف مجموعه هلال شیعی که تهران قله آن بوده و تا حزب‌ا... لبنان امتداد یافته است در صدر اولویت‌های امنیت ملی آمریکاست؛

۹- تداوم هژمونی سیاسی، اقتصادی و امنیتی آمریکا در خاورمیانه که با تهدید اعراب از تشکیل هلال شیعی و سپس طرح محاصره آن توسط هلال سنی به رهبری آمریکا پیگیری می‌شود. در این راستا ضریب همگرایی و گسترش روابط آمریکا و کشورهای منطقه افزایش یافته و با ایجاد معمای امنیت جدیدی در منطقه به فروش سلاح‌های آمریکایی به کشورهای خاورمیانه و جلب اعتماد آنان به نزدیکی روابط با آمریکا کمک می‌شود.

۳) ایجاد ژئوپلیتیک شیعه، طرح مشترک آمریکا و شیعیان

این نگرش معتقد است که هلال شیعی پروژه‌ای است که با همکاری و اتحاد شیعیان و آمریکا و اسرائیل برای نابودی اهل سنت در منطقه طراحی شده و در حال اجراست. بر این اساس، قدرت گرفتن شیعیان در عراق بخشی از نیت آمریکا در قبال جهان اسلام پس از حوادث ۱۱ سپتامبر بوده است تا عراق را از چنگ اسلام واقعی درآورده و به دست شیعیان بدهد. بنابراین همکاری استراتژیک شیعیان بویژه ایرانیان با آمریکا در صدد ضربه زدن به اعراب و سنی‌ها در منطقه به وجود آمده و با گسترش هلال شیعی، جهان اسلام تحت سلطه شیعیان در می‌آید (The Shia-Sunni Divide, 2006: 5). این پروژه از سوی افراطیون و بنیادگرایان سنی و برخی سران دولت‌های عربی و تعدادی از علما و مفتی‌های وهابی سعودی و برخی از توده‌های مردم در کشورهای عربی خاورمیانه مطرح شده و یکی از انگیزه‌های تحریک مسلمانان سنی علیه شیعیان در خاورمیانه و فتاوی تکفیر آنان و تخریب عتبات عالیات شیعه یا عملیات‌های انتحاری در عراق است که به تعبیر آنان برای نابودی کفار (آمریکا) و مشرکان (شیعیان) صورت می‌گیرد.

۴) سناریونویسی اعراب در بحران‌سازی در منطقه

براساس این رویکرد، طرح هلال شیعی همان‌طور که اولین بار توسط ملک عبدالله پادشاه اردن مطرح شد، سناریو یا پروژه‌ای عربی بوده که در راستای منافع برخی دولت‌های عربی منطقه تدوین شده است. بر این اساس دولت‌های عربی سعی کرده‌اند تا با بحران‌سازی در روابط ایران، شیعیان و اعراب در پرتو تحولات جدید در خاورمیانه، از شدت بازتاب برخی تحولات منطقه کاسته و منافع اعراب و سنی‌ها را حفظ کنند. مهمترین دلایل آنان در طرح هلال شیعی و القای تهدید تشکیل آن در میان مردم کشورهای خاورمیانه عبارت است از:

۱- جنگ افغانستان و عراق و احیای شیعه در عراق و توانمندسازی شیعیان منطقه سبب تغییرات عمیقی در خاورمیانه شده است که ایران بدون هیچ هزینه‌ای برنده بزرگ آن بوده است. در واقع ایران با حذف طالبان و صدام و تضعیف دو جریان پان اسلامیسیم سنی طالبانی

و پان عربیسم صدام در منطقه، به قدرت و نفوذ فراوانی دست یافته است. این مسئله دو جریان مذکور را که به لحاظ ایدئولوژیک با ایران مشکل دارند تحریک کرده و این احساس در آنان به وجود آمده است که همه چیز در منطقه به نفع ایران در جریان است، بنابراین آنان به تبلیغات منفی وسیعی علیه ایران و شیعیان دست زده‌اند که طرح هلال شیعی محور آن قرار گرفته است؛

۲- دولت‌های سنی منطقه با جاه‌طلبانه خواندن سیاست‌های ایران به‌عنوان بهانه‌ای برای مقاومت در برابر خواسته‌های اتباع شیعه و درخواست آمریکا برای انجام اصلاحات سیاسی استفاده کرده‌اند. به عبارت دیگر به تعبیر «استیون کوک» از محققان شورای روابط خارجی آمریکا، رژیم‌های عربی از تحیل هلال شیعی تنها در راستای منافع خود بهره برده‌اند و از طرح هلال شیعی برای سرکوب بیشتر شیعیان کشورشان و مشروعیت این فشارها برای عدم تأثیرپذیری از شیعیان عراق استفاده کرده‌اند. همچنین آنان به آمریکا پیام داده‌اند که اگر آوردن دموکراسی به خاورمیانه به معنای قدرت یافتن شیعیان و ایران است، آمریکا بهتر است با دیکتاتوری اهل سنت کنار آید (Ahrary, 2006: 12)؛

۳- تحولات عراق و ظهور اولین دولت شیعی عربی در مرکز خلافت اسلامی سنی عباسیان و سپس پدیده بعثی‌زدایی که باعث از بین رفتن بزرگترین مانع به قدرت رسیدن شیعیان عراق شد سبب نگرانی دولت‌های عربی از به حاشیه رانده شدن اهل سنت در عراق و سپس در سطحی فراتر از آن در منطقه‌ای که از سوریه تا پاکستان گسترش می‌یابد شده است. بنابراین احتمال افزایش تنش‌ها برای کسب قدرت میان دو گروه عمده منطقه که ثبات خاورمیانه را به خطر می‌اندازد یک عامل اساسی در طرح هلال شیعی است؛

۴- طرح هلال شیعه در چارچوب توازن قدرت منطقه‌ای در حوزه امنیت خلیج فارس و بخش عربی خاورمیانه با افزایش نگرانی اعراب در راستای کسب حمایت بیشتر از سوی آمریکا علیه ایران و شیعیان صورت می‌گیرد و به همگرایی جهان عرب سنی و آمریکا در مقابل شیعیان و بویژه ایران کمک می‌کند؛

۵- تدوین طرح هلال شیعی و تأکید مستمر بر آن به همراه برخی فتاوی علمای وهابی، زمینه همکاری سازمان‌های بعثی و القاعده و کسب حمایت معنوی و سیاسی از سوی برخی رهبران

عرب، سبب تقویت موضع آنان در عراق و ممانعت از ثبات سیاسی در این کشور به سود شیعیان شده و از خروج عراق از انحصار قدرت سنی بر آن جلوگیری می‌کند.

۵) اتحاد اعراب و آمریکا (دشمن دشمن من دوست من است)^۱

براساس این رویکرد، طرح چشم‌انداز ظهور هلال شیعی، پروژه‌ای مشترک میان آمریکا و برخی دولت‌های عربی در راستای منافع مشترک آنان در تحدید نفوذ ایران در منطقه، کاهش نقش شیعیان میانه‌رو یا رادیکال و تقویت جریان شیعه سکولار و سنی‌های عراق و تثبیت هژمونی فرامنطقه‌ای آمریکا در خاورمیانه است. از این‌رو اتحادی مشترک میان دو دشمنِ احیای هویت شیعی و گسترش نفوذ ایران در منطقه به‌وجود آمده است.

ب: پروسه هلال شیعی (روایت پردازی گفتمان ژئوپلیتیک مقاومت از احیای شیعیان)

ژئوپلیتیک نوین تشیع یا هلال شیعه را می‌توان پروسه یا فرایندی دانست که به مرور زمان شکل گرفته و موجب خود آگاهی شیعیان و بازسازی هویت آنان می‌شود. در واقع، احساس سرنوشت مشترک و تاریخ، فرهنگ و هویت همسان سبب پیوند جوامع شیعی می‌شود. بنابراین در یک چرخه نه چندان از پیش تعیین شده، هلال شیعی در خاورمیانه شکل می‌گیرد.

مهمترین دلایل احیای شیعیان در پروسه زمانی کنونی عبارتند از:

۱- فشار تدریجی ناشی از انزوای دیرین سیاسی و محرومیت اقتصادی شیعیان عرب سبب شده است تا آنان از وضعیت خود ناراضی بوده و به‌دنبال تغییر در شرایط کنونی برآیند. این مسئله با توجه به ماهیت ایدئولوژیک شیعه به‌عنوان مذهب اعتراض علیه ظلم و ستم به تغییر شرایط آنان خواهند انجامید (Bose, 2007: 2-5)؛

۲- تحولات عراق سبب هویت‌یابی شیعیان که به‌لحاظ فرهنگی، تاریخی، مذهبی و اقتصادی شرایط مشابهی با شیعیان عراق دارند شده است و این مسئله به احیای شیعه در منطقه کمک کرده است. از سوی دیگر افزایش آگاهی شیعیان با طرح گسترش دموکراسی آمریکا در

1. Enemy of my enemy is my friend

خاورمیانه همراه شده و با برگزاری انتخابات آزاد و دموکراتیک به توانمندسازی سیاسی شیعیان در خاورمیانه منجر می‌شود؛

۳- تحولات منطقه خاورمیانه بویژه پیروزی حزب‌الله لبنان در جنگ ۳۳ روزه و مقاومت فلسطین توسط حماس یا سیاست اصول‌گرایانه دولت نهم ایران، کاتالیزور گذار شیعیان در تقویت جایگاه و منزلت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آنان در کشورهای عربی شده است؛

۴- تقویت همگرایی آمریکا و جوامع عربی یا تشدید بی‌ثباتی در منطقه بویژه در عراق که از آن به تهدید سنی‌ها علیه شیعیان یاد می‌شود سبب افزایش همکاری شیعیان و تشکیل ضد اتحادی علیه آمریکا و برخی دولت‌های عربی یا گروه‌های سلفی و تکفیری و یا علمای وهابی می‌شود.

ج: هلال شیعه پروسه‌ای در پس یک پروژه (پروسه - پروژه)

سومین نگرش به هلال شیعی آن را پروسه‌ای می‌داند که به مرور زمان شکل می‌گیرد، اما عده‌ای در تلاش برای بهره‌برداری از این فرایند به سود خود هستند. به عبارت دیگر هلال شیعی به دلایل ساختارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دولت‌های منطقه و شیعیان در حال شکل‌گیری است، اما جریان‌اتی در این فضا، به دنبال مدیریت تحول و تغییر در جهت مدیریت منافع خود هستند (Walker, 2006). از این رو عرصه رقابت و بازیگری به وجود آمده و پروژه‌هایی در راستای منافع تدوین‌گران آن در حال اجرا هستند که بسته به میزان قدرت و بازیگری آنان و تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی، چشم‌انداز هلال شیعی ترسیم می‌شود.

۱۰- توهم یا واقعیت هلال شیعه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

بدون شک شیعیان در هیچ مقطعی از تاریخ خود به اندازه شرایط کنونی از موقعیت ممتاز جهانی برخوردار نبوده‌اند، زیرا که اکنون آنان در ایران و عراق حاکمیت قاطع را در دست دارند و در افغانستان و لبنان نیز در حاکمیت شریکند. علاوه بر این با تحولات جدید منطقه که با رستاخیز شیعی در خاورمیانه همراه شده است، مشارکت سیاسی فعال آنان در انتخابات

دموکراتیک سبب تقویت جایگاه و موقعیت آنان در منطقه شده است. از سوی دیگر تجربه عراق و آگاهی سیاسی شیعیان از هویت مذهبی خود سبب سیاسی شدن شیعیان در خاورمیانه شده و فضای سیاسی بازتری را برای تبدیل مزیت جمعیتی شیعیان به قدرت سیاسی به وجود آورده است. با این وجود هرگز چیزی به عنوان پان شیعیسم و یا حتی رهبری متحد جوامع شیعی در راستای تشکیل هلال شیعه وجود ندارد (Broning, 2008: 66-75). در واقع علی‌رغم دیدگاه‌های مذهبی، فرهنگی، تاریخی و سیاسی و حتی شرایط اقتصادی مشابه جوامع شیعی که آنان را به فعالیت‌های سیاسی یکسان برای کسب حقوق اساسی خود و تثبیت قدرت شیعیان در کشورهای منطقه هدایت می‌کند، به دشواری می‌توان از یک وحدت مدیریت در جهان شیعه سخن گفت یا اینکه شیعه را به عنوان یک تهدید مطرح کرد. بنابراین به نظر می‌رسد پروژه هلال شیعی یا وحدت جوامع شیعیان در طراحی ژئوپلیتیک نوین خاورمیانه به دلایل زیر واقعیت نداشته باشد:

۱- در تعریف هلال شیعی یا ژئوپلیتیک تشیع معمولاً از امتداد جغرافیای سیاسی شیعیان از ایران تا لبنان سخن گفته می‌شود. در این میان بر شیعیان ایران، عراق، سوریه، لبنان (جنبش حزب...)) و جنبش حماس در فلسطین تأکید می‌شود. این مسئله در حالی مطرح می‌شود که در سوریه حکومت در دست اقلیت شیعه علوی است که تنها حداکثر ۱۵ درصد از جمعیت سوریه را تشکیل می‌دهد. بنابراین بافت ملی سوریه به دلیل ترکیب جمعیتی آن هیچ‌گاه نمی‌تواند به عنوان بخشی از هلال شیعی تلقی شود. از سوی دیگر دولت سوریه نیز نشان داده است که در جهت دفاع از منافع ملی‌اش از همه برگه‌های برنده و تأثیرگذار خود استفاده می‌کند و تنها در راستای منافع خود و وقتی که آمریکا و اسرائیل بیشترین فشار را به سوریه وارد می‌کنند به ایران و حزب... نزدیک می‌شود و در شرایط دیگر حاضر به مذاکرات پنهان با اسرائیل نیز می‌باشد. مسئله حماس و فاصله آن از هلال شیعی کاملاً آشکار است، زیرا حماس یک سازمان مذهبی مبنی بر گرایش‌ات اخوانی است که به دلیل محاصره سیاسی، اقتصادی و تبلیغاتی به ایران نزدیک شده است. از سوی دیگر شیعیان عراق و لبنان نیز به دلیل بافت جمعیتی این دو کشور و همزیستی آنان با اهل سنت و تلاش آنان در حفظ تمامیت ارضی

کشورشان علی‌رغم گسترش همکاری با ایران به دنبال تشکیل هلال شیعی در خاورمیانه که همواره مورد تهدید سنی‌ها و آمریکا باشد نیستند. همچنین شیعیان بحرین نیز به دلیل فشار و سرکوب سیاسی حکومت بر آنان تحرک سیاسی چندانی ندارند و حکومت بحرین نیز با برنامه‌ریزی در اعطای تابعیت در صدد تغییر ترکیب جمعیتی شیعیان تا سال ۲۰۱۰ برآمده است (Khasheghi, 2006)؛

۲- شیعیان یک جمعیت یکپارچه نیستند و سرنوشت مشترکی ندارند و وضعیت اقتصادی و اجتماعی آنان انشعابات عرضی در آنها پدید آورده و جهت‌گیری‌های سیاسی و میزان پایبندی آنان به مذهب شیعه نیز تقسیمات طولی در جوامع شیعی ایجاد کرده است. از این‌رو انشعابات شیعیان که واضح‌ترین آنها مرزهای سیاسی بین کشورهای عربی و ملاحظات امنیتی در محدود کردن ارتباط و همکاری شیعیان و یا اختلافات سیاسی میان دو کشور شیعی مانند ایران و عراق است و همچنین بسترهای هویت‌ساز اجتماعی تشیع، سبب تنوع پایبندی به مذهب در میان آنان شده و جریانات شیعیان سکولار، میانه‌رو، محافظه‌کار و رادیکال را به وجود آورده است. این جریانات برخلاف اصطلاحات کلیشه‌ای نگرش غرب به شیعیان که آنان را گروهی یکدست می‌پندارد، در عقیده، هدف و نیز میزان پایبندی و وفاداری به مواضع مشترک، تعصب مذهبی و حتی تعامل با غرب و آمریکا با یکدیگر اختلاف دارند؛ چنانچه این مسأله در انتخابات اخیر پارلمانی عراق و ایجاد شکاف میان ائتلاف‌های انتخاباتی شیعیان کاملاً آشکار شد. بنابراین ظهور هلال یکپارچه شیعه و مدیریت واحد آن توهمی بیش نیست (Taghizade, 2007: 12)؛

۳- اگرچه ایران همواره به منزله مرکز مذهب شیعه و محور ایدئولوژیک مأمین شیعیان و تنها دولت شیعی مورد توجه شیعیان بوده است، اما ایجاد مذهب شیعه‌ای که پیرو ایران باشد رؤیایی بیش نیست و برخلاف تصور نادرست غرب و برخی دولت‌های منطقه، سیاسی شدن شیعیان به معنای منتهی شدن راه‌های سیاسی شیعیان به تهران یا تشکیل حکومت دینی به سبک ایران و به‌طور خودکار ضدآمریکایی نیست (Fuler, 2005: 149-165). زیرا این مسئله با نگرش متفاوت مرجعیت شیعی به ولایت فقیه و زندگی سیاسی و حضور تشیع در عرصه عمومی

جامعه همراه است و در کنار نگرش انقلابی و کاملاً فعالی مانند رویکرد امام خمینی (ره)، سنت انزوا و عزلت‌گرایی با تکیه بر تقوای شخصی و بی‌طرفی در مسائل سیاسی آیت‌ا... خویی (ره) و سیستانی و پیروان آنان وجود دارد (7: Ghorayeb, 2007)؛

۴- مطالبات و خواسته‌های شیعیان در کشورهای مختلف و حتی در درون یک کشور نیز متفاوت است. مثلاً در حالی که گروهی از شیعیان بحرین مانند حرکه‌الاحرار و یا گروه‌های شیعی دانشجویی خواستار حکومتی مردم‌سالار برای استیفای حقوق از دست رفته خود و دستیابی به حقوق مساوی سیاسی و مدنی با سنی‌ها هستند، جمعیت الوفاق الوطنی الاسلامی که بزرگترین جریان سیاسی شیعه و گروه مخالف در بحرین است، خواهان برپایی حکومت اسلامی و تطابق قوانین با شرع مبین اسلام است. علاوه بر این مطالبات شیعیان در برخی کشورها به دلیل فقر و محدودیت اقتصادی، بیشتر اقتصادی است، در حالی که در برخی جوامع شیعی که وضعیت بهتری دارند مطالبات اجتماعی یا سیاسی مطرح می‌شود. این تشتت اهداف شیعیان و حضور آنان در قلب جوامع سنی (بجز ایران) مانع عمده تحقق هلال شیعی است (2005, Bahrain sectarian challenge)؛

۵- ناسیونالیسم و جدایی سیاسی جوامع شیعی مانع عمده دیگری در ایجاد هلال شیعی است که در پرتو تحولات نظام امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. چنانچه این مسئله مانع اقدامات عملی ایران پس از اقدامات ضدشیعی اعراب و بویژه دولت یمن و عربستان علیه شیعیان یمن شد (12: Terhalle, 2007). از سوی دیگر شیعیان در درک مؤلفه‌های هویتی خود معمولاً هویت ملی و سپس عربی یا اسلامی را مقدم بر هویت شیعی می‌دانند. از این‌رو نخبگان شیعی نیز همواره خود را پایبند به الگوهای محلی نشان می‌دهند تا پذیرش همگانی بیشتری را به دست آورند و از اتهام نمایندگی جوامع شیعی دیگر به دور بمانند (38: Fuler, 2005)؛

۶- احیای کامل شیعیان به دلیل فقدان یکپارچگی لازم میان آنان، ضعف ساختاری جامعه شیعی، عدم سازماندهی مطلوب، بلا تکلیفی و عدم دستیابی به نتیجه مطلوب در مورد رهبری، وابستگی مالی و سیاسی و انتظار غیرواقعی از کشورهای مسلمان شیعی و عدم سیاست یکسان و هماهنگ ایران در قبال آنان ممکن نیست؛

۷- اگرچه این یک واقعیت است که شیعه ساختاری ایدئولوژیک با ماهیتی فراکشوری دارد و ایران بر احزاب شیعه فعالانه تأثیرگذار است، اما ظهور یک هلال شیعی یا طراحی نقشه ژئوپلیتیک شیعه در خاورمیانه به مرکزیت و رهبری ایران به دلایل زیر با ابهام و تردید همراه است:

الف) به لحاظ جمعیتی، تعداد شیعیان به نسبت سنی‌ها برای تحقق هلال شیعه کافی نیست زیرا شیعیان تنها ۱۵ درصد از جمعیت محیط سنی عربی را که از اندونزی تا مغرب گسترانده شده دارند و در اکثر کشورها به جز چهار کشور ایران، عراق، بحرین و آذربایجان در اقلیت و تحت فشار و سرکوب دولت‌های محلی هستند.

ب) ایران مرکز قدرت شیعه، در مقایسه با عربستان رهبر جهان عرب سنی پتانسیل اقتصادی بسیار کمتری در تشکیل هلال شیعه نسبت به قوس سنی دارد زیرا درآمد ناخالص ملی عربستان - با یک سوم جمعیت ایران - ۶۰ درصد بیش از ایران بوده و سرانه ایران نیز حدود یک چهارم سرانه عربستان است. این مسئله با توجه به دغدغه اولویت اقتصاد داخلی نسبت به هزینه ایجاد هلال شیعی در خاورمیانه در میان برخی از مسئولین جمهوری اسلامی ایران و حمایت مالی و معنوی گسترده عربستان در مقابله با ظهور هلال شیعی (و حتی یک دولت شیعی باثبات در عراق) از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود. بنابراین ایران توانایی اقتصادی ایجاد هلال شیعی در خاورمیانه را ندارد (Obaid, 2006: 8).

ج) از نظر نظامی نیز اگرچه ایران بزرگترین ارتش منطقه را در اختیار دارد، اما هرگونه مداخله نظامی ایران در منطقه در راستای ایجاد هلال شیعی با منافع آمریکا در تعارض قرار گرفته و این مسئله ایران را از مداخله نظامی در امور داخلی عراق و سایر کشورهای منطقه باز می‌دارد.

د) از نظر فرهنگی و مذهبی نیز ایران علی‌رغم اشتراکات تاریخی، فرهنگی و مذهبی با شیعیان منطقه، به دلیل فارس یا عجم بودن در مقابل اعراب، همواره با شکاف هویت عربی - عجمی مواجه است. از این رو ایران فروپاشی دیوار سنی مذهب طالبان و صدام و احیای شیعه در منطقه را تنها تضمینی علیه ظهور دوباره عراق به عنوان یک تهدید و عدم بازگشت ملی‌گرایی عربی ضد ایرانی تحت رهبری اهل سنت می‌داند. این مسئله در میان کشورهایی که شیعیان در

آن در اقلیت هستند نیز به دلیل سیاست‌های اعمالی دولت‌های سنی کاملاً آشکار است. بنابراین ادعاهایی مبنی بر تغییر مذهب بسیاری از مردم سوریه به شیعه ۱۲ امامی به دلیل تشویق حکومت سوریه یا حمایت‌های ایران کاملاً نادرست بوده و سوریه به‌عنوان مهد ظهور پدران بنیادگرای سنی مانند ابن تیمیه و ابن قیم با شکاف هویتی عربی - عجمی و شیعه - سنی با ایران مواجه بوده و هرگز قطعه‌ای از هلال شیعه نخواهد بود (Mark, 2010: 23).

ه) پروژه ایران در ایجاد هلال شیعی به دلیل تلاش آن در وحدت جهان اسلام که بیش‌ترین مزایا را برای این کشور در تقابل با آمریکا و اسرائیل در منطقه دارد و همچنین به سبب نیاز به همسویی اعراب در مقابل سیاست‌های تحمیلی انزواگرایانه آمریکا علیه ایران و یا خطر تحریک اقلیت‌های سنی در ایران، غیرعقلانی بوده و با سیاست‌های ایران همخوانی ندارد.

بر این اساس، ارزیابی نگرش‌های مختلف در مورد ظهور هلال شیعی نشان می‌دهد که از یک سو هلال شیعی، پروسه‌ای است که به دلیل محرومیت‌ها و فشارهای سیاسی - اجتماعی شیعیان عرب و افزایش خودآگاهی آنان و تلاش برای بهبود شرایط موجود زندگی‌شان از طریق بازتولید گفتمان هویتی تشیع در حال شکل‌گیری است و از سوی دیگر تأکید بر ظهور هلال شیعی توسط کشورهای عربی، پروژه‌ای است که از طریق آن اعراب درصدد حفظ وضع موجود و مقابله با احیای شیعیان منطقه و تشدید شیعه‌هراسی به‌منظور حفظ منافع ملی خود و تعاملات استراتژیک شان با آمریکا علیه افزایش قدرت نرم ایران در خاورمیانه هستند این درحالی است که پروژه ایجاد هلال شیعی یا وحدت جوامع شیعیان و طراحی ژئوپلیتیک نوین تشیع در خاورمیانه توسط ایران تنها در قالب حفظ و تقویت ژئوپلیتیک مقاومت به‌جای هلال شیعی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دستورکار قرار دارد.

۱۱- نتیجه‌گیری

شیعیان همواره در طول تاریخ به‌دلایل ایدئولوژیک، سیاسی، فرهنگی یا هویتی از فعالیت‌های سیاسی و کسب قدرت و حکومت در جوامع اسلامی دور مانده‌اند. این مسئله به‌جز در مقاطعی خاص در تاریخ تشیع، مانند دوره صفویه در ایران، تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران و

احیای هویت شیعی و ارائه نظریه ولایت فقیه و پذیرش مشروعیت حکومت در زمان غیبت ادامه داشت بنابراین انقلاب ایران که نقطه عطف مهمی در آغاز حیات سیاسی شیعیان محسوب می‌شد سبب تحولات سیاسی، اجتماعی در جوامع مسلمان خاورمیانه و بویژه در میان شیعیان گردید. با این وجود آغاز جنگ ایران و عراق و تشکیل مدل‌های امنیتی - سیاسی مشترک دولت‌های مسلمان منطقه و قدرت‌های فرامنطقه‌ای با هدف سد نفوذ انقلاب ایران، مانع تداوم همه‌جانبه صدور انقلاب شد. این مسئله با سقوط دولت بعثی صدام حسین و رستاخیز شیعیان در منطقه و تحولاتی مانند پیروزی حزب‌ا... در جنگ با اسرائیل و افزایش قدرت و نفوذ ایران در منطقه وارد نقطه عطف دوم بازسازی هویت شیعیان در خاورمیانه شد و زمینه تحولات جدید در منطقه را به وجود آورد. این پروسه با طرح هلال شیعی و افزایش نگرانی اعراب سنی یا آمریکا در منطقه از تشکیل ژئوپلیتیک نوین تشیع در خاورمیانه همراه شد و به تغییر استراتژی آمریکا از خاورمیانه بزرگ به خاورمیانه جدید و یا تعاملات جدیدی میان دولت‌های عربی منطقه انجامید. در این میان طرح ژئوپلیتیک تشیع را می‌توان دیالکتیک دو گفتمان ژئوپلیتیک سلطه و ژئوپلیتیک مقاومت و در قالب پروسه‌ای در پس یک پروژه، سازه‌ای گفتمانی دانست که هم برساخته و هم سازنده است. در واقع، ژئوپلیتیک تشیع، از یک سو روایت انتقادی بازنمایی هویت فردی و جمعی شیعیان در اظهار نارضایتی از شرایط موجود و تلاش در تبدیل آن به وضعیت مطلوب و از سوی دیگر ساخته‌ای گفتمانی در ژئوپلیتیک مسلط برای حفظ شرایط موجود در توازن قدرت در خاورمیانه است.

در این شرایط، با توجه به اهمیت ژئوپلیتیک نوین تشیع در تحولات منطقه، جمهوری اسلامی ایران در راستای منافع ملی خود باید راهکارهای زیر را در قبال این مسئله پیگیری کند:

۱- با توجه به این‌که واقعیات سیاسی منطقه نشان می‌دهد که ظهور یک هلال شیعی عینی یا پان شیعیسم در شرایط کنونی در منطقه وجود ندارد، جمهوری اسلامی ایران باید ژئوپلیتیک نوین تشیع به معنای احیای کامل شیعه در خاورمیانه را تنها در قالب استراتژی کلان امنیت ملی جمهوری اسلامی و چشم‌انداز بیست ساله در نظر گرفته و در شرایط فعلی به دنبال تأکید بر امت واحده اسلامی و تلاش در بهبود اوضاع شیعیان در جوامع اسلامی به عنوان جزئی از بدنه

جهان اسلام باشد و با مقابله با پروژه ایران هراسی به کاهش نگرانی سایر دولت‌های منطقه نسبت به تحولات عراق و یا طرح هلال شیعی در خاورمیانه پردازد؛

۲- از آنجا که ظهور دومین دولت شیعی در منطقه و طرح هلال شیعه سبب گسترش شکاف شیعه - سنی و فرقه‌گرایی در منطقه و حتی تکفیر شیعیان شده است، ایران باید به زدودن اختلافات شیعه و سنی در منطقه مبادرت ورزد؛

۳- جمهوری اسلامی ایران باید با دیپلماسی فعال خود و از طریق تعامل با سران دولت‌های عربی بویژه عربستان و مصر آنان را از تداوم سیاست‌های فرقه‌گرای کنونی بویژه در عراق باز دارد؛

۴- اگرچه پروژه ایرانی تشکیل هلال شیعی در خاورمیانه در شرایط کنونی ممکن نیست، اما ایران باید به تداوم همکاری با شیعیان بویژه گروه‌های شیعی ضعیف یا در حال اغما در منطقه ادامه داده و با تقویت فکری، سیاسی و اقتصادی آنان، دومینوهای را برای چانه‌زنی در منطقه و یا مقابله با سیاست‌های احتمالی انزواگرایانه آمریکا حفظ کند؛

۵- ایران باید طرح هلال شیعی در منطقه را به‌عنوان محور قدرت نرم خود پیگیری کرده تا بتواند در مقابل افزایش قدرت سخت و خرید تسلیحات نظامی دولت‌های منطقه، توان و اقتدار کشور را ارتقا دهد؛

۶- جمهوری اسلامی ایران باید بر لزوم گذار به دموکراسی و انتخابات آزاد در منطقه تأکید کند تا از این طریق محمل لازم در قدرت‌یابی شیعیان که با تجربه عراق، سیاسی شده‌اند، به‌وجود آید. این مسئله باید با تکیه بر لزوم دستیابی به دموکراسی بومی در قالب مردمسالاری دینی صورت گیرد، اما هرگز نباید با تحمیل آن به سایر کشورهای منطقه انجام شود. از سوی دیگر ایران باید به برنامه‌ریزی احتمالی در مورد شرایطی که در گذار به دموکراسی، اسلام‌گرایان تضعیف و نیروهای سکولار یا ضد شیعی به قدرت برسند پردازد؛

۷- با توجه به افزایش اختلاف شیعه و سنی در منطقه و طرح ایجاد قوس سنی در مقابل هلال شیعی در خاورمیانه، جمهوری اسلامی ایران باید به تهدیدهای احتمالی تحریک مناطق سنی‌نشین در کشور به‌مثابه تهدید امنیت ملی خود توجه کند. در این راستا توجه بیشتر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به این مناطق که معمولاً در وضعیت نابسامان‌تری نسبت به سایر مناطق

قرار دارند و معمولاً در مناطق مرزنشین واقع شده‌اند ضرورت دارد؛

۸- دیپلماسی ایران در قبال عراق به‌عنوان حلقه اتصال هلال شیعی باید با محوریت راهبردهای زیر تنظیم شود:

الف) تقویت نهادهای دموکراتیک در عراق و نهادینه‌سازی مردم‌سالاری در آن و استقرار ثبات و امنیت در این کشور که به افزایش قدرت شیعیان منجر می‌شود؛

ب) آسیب‌شناسی اجتماعی زمینه‌های افزایش میزان رأی جریانات ملی‌گرا، سکولار و بعثی در انتخابات پارلمانی اخیر و تلاش برای حفظ وحدت و ائتلاف میان شیعیان عراق و تداوم حاکمیت شیعه در این کشور؛

ج) جلوگیری از اقداماتی که ایران را به مداخله در امور داخلی عراق و یا تلاش در بسط هلال شیعی در منطقه متهم کند؛

د) تدوین استراتژی جامعی در نحوه تعامل با شیعیان سکولار و رادیکال و گروه‌های سنی و کرد عراقی؛

ه) مقابله با تشدید برخی اختلافات عراق با ایران (بویژه اختلافات ارضی و مرزی)؛

۹- اگرچه امروزه منطقه هلال شیعی به‌عنوان ژئوپلیتیک نوین تشیع شناخته شده و همواره بر روابط ایران و این کشورها تأکید می‌شود، اما این مسئله نباید جمهوری اسلامی ایران را از این واقعیت که ژئوپلیتیک اصلی شیعه از شرق ایران در چین تا مرزهای فلسطین ادامه داشته و تراکم شیعیان در شرق ایران بیش از تعداد آنان در منطقه موسوم به هلال شیعه است، باز دارد. از این رو ایران باید سیاست فعالی را در قبال حمایت از جایگاه شیعیان در این کشورها و تقویت آنان در پیش گیرد این مسئله بویژه در هند و پاکستان از اهمیت خاصی برخوردار است و می‌تواند به افزایش توان دیپلماسی ایران در منطقه کمک کند.

۶- ق‌دردانی

بدین‌وسیله نگارنده بر خود لازم می‌داند از حمایت‌های مادی و معنوی معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم در راستای انجام این پژوهش کمال تشکر و ق‌دردانی را به‌عمل آورد.

References

1. Ahmadi, Seyed Abbas (2010); The role of Religion in expanding of the sphere of influence; (Case Study: Shi'ism and Iran) Geopolitics Quarterly, Vol. 6, No.1[in Persian].
2. Ahrary, Ehsan (2006); The Real Challenge From the Shia Crescent, at: www.antiwar.com, July 25.
3. Bahrain's Sectarian Challenge (2005); Crisis Group Middle East Report No 40, 6 May.
4. Bose, Srinjoy (2007); Shia and Iranian Ascendance: Sunni and American Perceptions, Institute of Peace and Conflict Studies, August.
5. Broning Michael (2008); Don't Fear the Shiites, International Studies, Vol.4.
6. CIA- The World Fact Book – Field Listing- Religions.
7. Dalby Tuathail and S. Routledge (1994); The Geopolitics Reader, London, Rutledge.
8. Demographics of Islam and Shia (2009); Wikipedia, the Free Encyclopedia.
9. Esmaeli, Hamid (2007); Al Qaeda from Imagination to emerge, Andesheh Sazan-e Noor Research Institute, Tehran [in Persian].
10. Fazelinia, Nafiseh (2007); Shia Geopolitics and the West concerns on Islamic Revolution, Shia Studies Institute, Qom [in Persian].
11. Fuller, Graham & Rend Rahim, Francke (2005); The Arab Shi'a: The Forgotten Muslims, Translation to Persian by: Kadijeh Tabrizi and Aliasghar Mohammadi, Shia Studies Institute, Qom [in Persian].
12. Ghorayeb Amal Saad (2007); Questioning The Shia Crescent; Al – Ahram Weekly/Opinion, 26 April.
13. Golpira Hamid (2007); Red Shia Crescent Rising, Tehran Times, March 13.
14. Hafeznia, Mohammadreza (2000); New Definition of Geopolitics, Geographical Research Quarterly, No. 58-59 [in Persian].
15. Jamali, Jamal (2007); Shia Crecent and Uited States Hegemony, Shia Studies Quarterly, Vol. 5, No.20.
16. Jashghji, Jamal Ahmad (2006); There will be a Shiite crescent in the region but it will convince them that, Alvatan, November 31[in Arabic].
17. Kessler Glenn and Priest Dana (2003); The U.S Underestimates The Power of Islam marchforjustice.com. April 23.
18. Kramer, Martin(1984); Shi'ism, Resistance and Revolution, Telavive University (Confrence).
19. Lewis, Bernard (2002); Middle East: Two thousand years of history of Christianity until today, Translation to Persian by: Hassan Kamshad, Nashr-e Ney Publication, Tehran [in Persian].

20. Mark, Lemieux (2007); *Rising Hegemony? The Limits of Iranian Influence in Iraq*, ISA conference, Chicago.
21. Mojthedzadeh, pirouz (2006); *Iran- Saudi strengthen ties despite U.S plot to sow division*, Interview with Saudi debate.com, August 25.
22. Momen Moojan (1980); *an Introduction to Shia Islam*, New Haven, Yale University Press.
23. Nasr Vali (2006); *the Shia Revival: How Conflicts within Islam Will Shape the Future*, Norton Publisher.
24. Nasr Vali (2006); *When The Shiites Rise*, Council on Foreign Relations.
25. Obaid, Nawaf (2006); *A shia Crescent and The Shia Revival: Myths and Realities*, Middle East Institute, May12.
26. Razavi, Sam (2010); *Reassessing Iran and the Shia Crescent*, international Studies Association, New Orleans, February 18.
27. Reynolds, David (1998); *Political Geography*, London.
28. Routledge, Paul (2001); *Geopolitical thoughts in the twentieth century(Anti Geopolitics)*, Translation to Persian by: Mohammadreza Hafeznia and Hashem Nasiri, publication of Political and International Studies office, Theran[in Persian].
29. Taghizade Davari, Mahmood (2007); *Shia and other Religions; interactive and challenging Geographical areas*, Shia Studies Institute, Qom [in Persian].
30. Terhalle, Maximilian (2007); *Are the Shia Rising?*; Middle East Policy Council, Vol 14.
31. The – Shia – Sunni Divide: *Myths and Reality* (2007); Al – Ahram Weekly,16 March.
32. *The Emerging Shia Crescent Symposium Implications for U.S. Policy in the Middle East Council on Foreign Relation* (2006); June 5.
33. Thompson, Kelley (2009); *A Shia crescent?: fact or fiction*, University of North Florida. Honors Program.
34. Thual, François (2004); *Shia Geopolitics*, Translation to Persian by: Katayoun Baser, Vistar Publication, Tehran [in Persian].
35. Walker, Martin (2006); *The Revenge of the Shia*, The Wilson Quarterly, Autumn.
36. Wehrey Fred (2006); *Bahrain: Elections and Managing Sectarianism* , Arab Reform Bulletin 10.
37. Zweiri Mahjoob and Konig Christophe (2008); *Are Shias rising in the western part of the Arab world? The case of Morocco*, The Journal of North African Studies, Vol13, Issue 4 December.